



■ دکتر خسرو فرشیدورد

قسمت اول

اشاره:

مقاله حاضر بنا به خواست مولف محترم بدون هیچ دخل و تصرف و اعمال رسم الخط معمول در مجله از نظر خوانندگان می‌گذرد.

● باری دستور بکمک معارف

دیگر زبانی می‌تواند

ده تا بیست درصد بزبان آموزی ما

کمک کند و ما را در درست گفتن و درست

نوشتن و بهتر آموختن زبان یاری دهد.

دو نوع مبالغه درباره دستور زبان - در زمان ما دو نوع مبالغه درباره دستور زبان میشود؛ یکی از طرف کسانی که آن را فن درست گفتن و درست نوشتن تعریف میکنند و مهم‌ترین عامل زبان آموزش میداند و آن را بزرگترین وسیله حفظ زبان می‌انگارند. دیگر از طرف آنهایی که دستور را در زبان آموزی و درست نویسی بی‌تأثیر می‌پندارند و وجود و عدمش را در آموزش زبان یکسان میدانند ولی شک نیست که این هر دو نظریه افسراطی و تندروانه است زیرا نه دستور زبان فن درست گفتن و درست نوشتن است، بخصوص اگر دستور بر پایه نظریات عمومی زبان نوشته شده باشد و نه علمیت زاید و بی‌مصرف که باید آن را بدور ریخت و ما این مقاله را که درباره فواید و هدفهای دستور و معارف زبان و زیانشناسی است برای روشن کردن این مطلب مینویسیم ولی برای این منظور چند موضوع را هم بعنوان مقدمه یادآوری میکنیم:

۱ - گونه‌ها و جلوه‌های زبان، ۲ - عناصر

و مواد زبان، ۳ - معارف زبان، ۴ - یادگیری زبان. اینک شرح هر یک از این مباحث:

۱ - گونه‌های زبان - زبان آموزی انواعی دارد از قبیل: آموزش زبان گفتار، آموزش زبان رسمی حال مادری، تعلیم زبان رسمی گذشته مادری.

از این بیان چنین برمیآید که زبان، اعم از زبان مادری یا بیگانه چیزی یکپارچه نیست و اقسامی دارد از قبیل: زبان گفتار و زبان نوشتار و زبان قدیم و جدید و همچنین زبان مادری و بیگانه.

بگفته زیانشناسان، زبان دارای جلوه‌ها و گونه‌هاییست و تأثیر زیانشناسی و دستور را در آموزش هر یک از آنها باید جداگانه مطالعه کرد.

ضمناً ما در اینجا تأثیر معارف زبان و دستور را در زبان آموزی یکجا بررسی میکنیم.

۲ - عناصر و مواد زبان - عناصر و مواد زبان را بعضی از زیانشناسان سه دسته و برخی دیگر بدو دسته تقسیم میکنند. عده‌ای

این عناصر را شامل عناصر صوتی و دستوری و لغوی یعنی مشتعل بر سه قسم میدانند و عده دیگر مسائل صوتی و آوایی را جزء دستور می‌آورند و عناصر تشکیل دهنده زبان را به‌عناصر لغوی و دستوری تقسیم مینمایند که نگارنده بنا بر تقسیم‌بندی اخیر موافق‌تر است زیرا اصوات زبان را میتوان جزء عناصر دستوری آن شمرد. تفاوت عناصر لغوی با عناصر دستوری و صوتی در اینست که عناصر دسته اخیر محدودند؛ یعنی مثلاً تعداد حروف و واجهای زبان و اقسام تکیه و هجا و آهنگ و درنگ در زبان محدود و گاهی قابل شمارش است و همچنین عناصر دستوری یعنی حروف اضافه و حروف ربط و پیشوندها و پسوندها نیز در هر زبانی محدودند، باین سبب باین عناصر، عناصر بسته یا عناصر دستوری یا عناصر نقش‌نما میگویند درحالیکه عناصر لغوی زبان تقریباً نامحدودند و شمارش آنها غیرممکنست، مثلاً شمارش اسمها و صفات بیانی و قیدها در زبان دشوار است. باین سبب فرا گرفتن لغات زبان بسبب آنکه نامحدود و پرشمارند مشکلست و چنین کاری مستلزم سالها مهارت و تمرین در زیانست و نازده بعد از سالها مهارت هیچکس نمیتواند همه لغات و تعبیرات و ترکیبات زبان را حتی اگر زبان مادری او باشد بیاموزد درصورتیکه عناصر دستوری چون محدودند، در نتیجه سخن گفتن بسیار و مطالعه زبان بزودی آموخته میشوند، بخصوص اگر با فرا گرفتن اطلاعات نظری یعنی با قواعد دستوری و زیانشناسی، توأم باشند بنابراین مشکلترین بخش زبان از نظر آموزش دستگاه نامحدود لغت آنست نه عناصر محدود دستورش. باین علت برای تسلط بر زبان رسمی مادری که دامنه وسیعی دارد و شامل لغات علمی، ادبی، فنی و هنری فراوانیست، باید سالها مطالعه کرد. البته دستور و قواعد دیگر زبان در این امر به انسان یاری می‌کند، بخصوص در مواردی که این قواعد مربوط به لغات مشتق یا مرکبند؛ یعنی

قواعد پسوندها و پیشوندها و ساختمانهای ترکیبی.

۳ - معارف زبان - نکته دیگر آنکه چون مواد زبان منحصر به‌عناصر دستوری آن نیست بلکه قسمت اعظم و مهم این مواد را عناصر لغوی آن تشکیل میدهد. بنابراین اطلاعات و معلومات نظری لازم برای زبان‌آموزی نیز منحصر بقاعده‌های دستوری نیست بلکه این اطلاعات شامل تمام قواعد زبان و تمام معارف و علوم زبانیست که دستور هم یکی از آنهاست. از جمله مهمترین قواعد غیر دستوری که بکار معنی کردن لغات زبان و آموزش آنها میآید میحث حقیقت و مجاز و باب معانی مجازیست که در قدیم شعبه‌ای از معانی و بیان و فنون بلاغت بوده است و امروز جزء قلمرو علم معنی‌شناسی است. باری دستور بکمک معارف دیگر زبانی میتواند تا بیست درصد بزبان آموزی ما کمک کند و ما را در درست گفتن و درست نوشتن و بهتر آموختن زبان، یاری دهد. از اینرو قواعد درست گفتن و درست نوشتن منحصر بقواعد دستوری نیست بلکه مرتبط بمجموعه معارف و علوم زبانیست. باری این معارف و علوم که بزبان آموزی کمک میکنند عبارتند از:

- ۱ - قواعد رسم الخط.
- ۲ - دستور زبان و رشته‌های فرعی آن؛ یعنی واجشناسی و صرف و نحو.
- ۳ - معنی‌شناسی بخصوص میحث حقیقت و مجاز آن.
- ۴ - معانی و بیان و بلاغت.
- ۵ - سبک‌شناسی.
- ۶ - زیانشناسی عمیق.
- ۷ - تعلیم زبان باهل زبان و بیگانگان.
- ۸ - تحول زبان.
- ۹ - گونه‌ها و سبکهای زبان.

۱۰ - زبان و کارکرد و مواد آن.

۱۱ - وظایف و نقشهای زبان در زندگی فردی و اجتماعی، از قبیل: ایجاد ارتباط، آفرینش ادبیات، استقرار وحدت ملی، انتقال فرهنگ.

۱۲ - نسبت مسائل زبان.

۱۳ - تأثیر عوامل غیر زبان در زبان، مانند: تأثیر ادبیات و ذوق ادبی، سیاست، اقتصاد، مذهب، وسایل ارتباط جمعی، فرهنگستان، مدرسه، احساسات شخصی، برداشتهای غلط از زبان (مانند پالایش زبان).

۱۴ - رهبری زبان که بوسیله این کسان و این عوامل صورت میگیرد: شاعران و نویسندگان، استادان و محققان زبان و زبان‌شناسان، وسایل ارتباط جمعی، معلم و مدرسه، فرهنگستان، دستگاههای دولتی و غیره.

۱۵ - ارتباط فرهنگها و زبانها با یکدیگر و مسائل مربوط بآن از قبیل: قرض، ترجمه و زبان جهانی.

- ۱۶ - لغت‌سازی و گسترش زبان.
- ۱۷ - جامعه‌شناسی زبان.
- ۱۸ - زبان و نظریه ارتباط.
- ۱۹ - روانشناسی زبان.
- ۲۰ - مسأله درست و غلط در زبان.
- ۲۱ - حشو.
- ۲۲ - زبانهای جهان و تعداد آنها.
- ۲۳ - منشأ زبان.
- ۲۴ - لغت.

بسیاری از این مباحث مانند: معنی‌شناسی، حشو، زبانهای جهان، منشأ زبان و بسیاری دیگر از شعب زیانشناسی بشمار میروند و برخی دیگر مثل معانی و بیان و فنون بلاغت چنین نیستند. بعضی دیگر مانند روانشناسی زبان، و جامعه‌شناسی زبان علوم

● در زبان‌آموزی در درجه اول معنی کلمات و عبارات مهمست. بنابراین مباحثی که بمعنی کردن و فهمیدن معنی صورتهای زبانی کمک میکند اهمیت بیشتری دارد مانند میحث حقیقت و مجاز.

بینایی هستند؛ یعنی علمی که زبان‌شناسی را با دانش‌های دیگر مربوط می‌کنند.

از مباحث یاد شده، آنها که بیش از همه برای زبان‌آموزی مفیدند، عبارتند از: معنی‌شناسی، آواشناسی، رسم الخط و املاء، مبحث صرف دستور، رابطه زبانها با یکدیگر، تحوّل زبان، یادگیری زبان، لغت‌سازی.

در زبان‌آموزی در درجه اول معنی کلمات و عبارات مهمست، بنابراین مباحثی که بمعنی کردن و فهمیدن معنی صورتهای زبانی کمک می‌کند اهمیت بیشتری دارد مانند مبحث حقیقت و مسجّاز و ساختمان کلمات که به آن اشاره کردیم و در درجه دوم صورت خط و زبانتی مانند رسم الخط و ساختمان دستوری کلمات و عبارات. به این سبب نحوه و زبان‌شناسی ساختگرا برای تعلیم صورت و ساختمان زبان، مفید است بشرط آنکه این صورتهای و ساختمانها را با معنی آنها مربوط کنیم.

بنابراین اگر دستور را تنها دانش نظری برای زبان‌آموزی بدانیم، اشتباه بزرگی کرده‌ایم، زیرا لغت و معنی‌شناسی و مباحث معنایی برای زبان‌آموزی اهمیت بیشتری دارند مشروط بر آنکه خوب یاد داده شوند.

۴- یادگیری زبان - مسائل یادگیری معمولاً دو دسته‌اند، یکی مهارتهای عملی مانند رانندگی و زبان‌آموزی و شنا که بیشتر براساس فعالیت‌های جسمی انسان و برپایه عمل و تمرین قرار دارند و دیگر اطلاعات نظری مانند فیزیک، شیمی، ریاضیات که اغلب بوسیله فعالیت‌های ذهنی و روانی یعنی فعالیت حافظه و استدلال و تجرید و تعمیم بدست می‌آیند. اما باید دانست که یادگیری بینابین هم داریم که هم جنبه عملی دارد و هم جنبه نظری؛ مانند جراحی و غیره. مهارتهای عملی اگر با دانشهای نظری توأم گردند، بهتر آموخته می‌شوند مانند توأم شدن زبان‌آموزی با قواعد زبان و مقارن شدن تمرین رانندگی با دانستن آیین نامه آن.

● یکی از هدفهای دستورنویسی ما باید کمک بفرآ گرفتن دستور زبان خارجی باشد و چون اکثر دستورهای تعلیمی خارجی سنت گراست، خوبست دستورهای تعلیمی ما هم سنتی باشند، اما این اصول در آنها مراعات شده باشد: اولاً عیبهای دستورهای سنتی قدیمی را نداشته باشند، ثانیاً از زبان‌شناسی جدید الهام بگیرند بدون اینکه صرفاً ساختگرا یا نقش‌گرا یا تولیدی باشند، بی‌آنکه در گرایش بسوی زبان‌شناسی راه افراط پیموده شود.

زندگی می‌کند و زبان می‌آموزد و غرض از زبان بیگانه زبانی غیر از آن یعنی زبان غیر از زبان مادریست.

آموزش زبان مادری - زبان مادری نیز گونه‌ها و اقسامی دارد از قبیل زبان گفتار و زبان نوشتار و غیره.

یاد گرفتن زبان گفتار - فرا گرفتن زبان گفتار بوسیله کودک دو شرط عمده دارد که هر دو نیز تقریباً در هر کودکی هست مگر در موارد استثنائی از قبیل بیماری یا زندگی کردن در میان حیوانات یا افتادن در جنگل یا در محیطی دور از جوامع انسانی. باری گفتیم زبان مادری مانند اکثر خصیصه‌ها و عادات انسانی از قبیل راستی، شرافت، حسد، منشن و شخصیت، تحت تأثیر دو عامل آموخته می‌شود که عبارتند از: وراثت و محیط.

وراثت و زبان‌آموزی - در زبان‌آموزی استعدادیست که در نهاد هر فرد انسانی بودیمه نهاده شده است باین سبب پیشینیان انسان را «حیوان ناطق» نامیده‌اند یعنی حیوان سخنگو و متفکر، چه سخن گفتن مستلزم متفکر بودن نیز هست، بنابراین ناطق در تعبیر «حیوان ناطق» هم بمعنی سخنگوست و هم بمعنی متفکر. استعداد زبان‌آموزی که خاص آدمیست، او را قادر می‌کند که دستگاه پیچیده لغت و دستور زبان مادری را در اندک مدتی فرا گیرد بطوریکه کودک تا چهار سالگی، بدون خواندن کتاب دستور هشتاد درصد ساختمان دستوری زبان گفتار خود را می‌آموزد و آنرا درست بکار می‌برد و بقیه قواعد دستوری این گونه از زبان را در سنین بالاتر یاد می‌گیرد. این دوران یعنی دوران زودآموزی زبان یا دوران داشتن

● همانطور که عامل تسلط بر

زبان گفتار

گفتن و شنیدنست،

عامل عمده تسلط بر زبان

نگارش و ساختمان

دستوری آن نیز خواندن نمونه‌های

پذیرفته و فصیح و شیوای

زبان و نوشتن

طبق آن نمونه‌هاست.

گفتیم زبان‌آموزی از مهارتهای عملیست و از راه گفتن و نوشتن و خواندن و قرار گرفتن در محیط زبان از طرفی و با آگاهی از علوم و معارف زبانی و قواعد دستوری از طرف دیگر آموخته می‌شود. علوم و معارف یاد شده بعنوان اطلاعات نظری زبان‌آموزی بکار می‌روند. باری زبانی که می‌آموزیم یا زبان مادریست یا زبان بیگانه. مراد از زبان مادری زبان کشور و مردمیست که انسان در کودکی در میان آنان

● بنابراین لغت‌سازی و نقل معنی و استفاده از معانی مجازی، مهمترین و بهترین راه گسترش زبانست و واژه‌سازی نیز مستلزم تسلط بر دستور و قواعد صرفی زبان میباشد. باین سبب باید شاگردان را از دبیرستان ضمن درج دستور بکلمه‌سازی با عناصر زنده زبان عادت داد.

ندارند، حتی میمون و شپانزه که ساختمان بدنی و مغزی آنها بیش از هر حیوانی بانسان نزدیکست نمی‌توانند از انسان زبان بیاموزند.

باری استخوان‌بندی زبان مادری تا دوازده سالگی بسته می‌شود و از آن تاریخ بعد زبان تحت تأثیر شنیدن و سخن گفتن و خواندن و نوشتن بتدریج غنی می‌گردد ولی کار اصلی زبان آموزی تا همان دوازده سالگی تمام شده است.

اینک پس از این مقدمات بشرح فواید و هدفهای دستور و معارف زبان می‌پردازیم.

فایده دستور و معارف زبان

دستور زبان، چه سنتی و چه براساسی زبانشناسی جدید اگر بر پایه اصول صحیح و روشهای نوین علمی تدوین شده باشد فواید بسیاری دارد. البته آنطور که پیشینیان می‌پنداشته‌اند، مهمترین عامل زبان آموزی نیست یعنی دستور زبان امروز دیگر «فن» درست گفتن و درست نوشتن» نمی‌باشد اما با درست نویسی و درست آموزی زبان هم بی‌ارتباط نیست.

باری دستور و معارف زبان و علوم زبانی علاوه بر زبان آموزی در موارد دیگر هم بکار می‌آیند که جمعاً می‌توان این موردها را بعنوان فایده علوم زبانی و دستور ذکر کرد:

۱ - زبان آموزی، ۲ - تثبیت زبان و جلوگیری از تحوّل هرج و مرج آفرین آن، ۳ - نقد ادبی و عروض، ۴ - کمک بعلوم دیگری زبان و فرهنگ نویسی، ۵ - توسعه اطلاعات عمومی، ۶ - رهبری زبان مردم، ۷ - لغت‌سازی و گسترش زبان.

ادامه دارد

نهیجه‌های محلی که بگروه محدودی تعلق دارند وسیله ارتباط بین تمام افراد یک ملت در گذشته و حال است.

بنابراین کودک قسمت عمده ساختمان دستوری زبان گفتار و نگارش را تحت تأثیر استعداد ذاتی خود می‌آموزد و زبان خود را هم درست بکار می‌برد و معلم و راهنمای او در این امر، تمرین در گفتن و شنیدن و یا خواندن و نوشتن است نه کتابهای دستور و قواعد دستوری و زبانشناسی. از اینجاست که در می‌یابیم کتابهای دستور به تنهایی عاملی درست گفتن و درست نوشتن نیست بلکه فقط به این کار کمک می‌کنند و قواعد دستور ممکنست در آموزش آن قسمت از زبان که از راه تمرین و ممارست آموخته نشده است مؤثر باشد.

محیط و زبان آموزی - در آنچه گفتیم کم و بیش به عامل دوم زبان آموزی نیز اشاره شد یعنی عامل محیط، زیرا در محیط کودک زبان حاضر و آماده‌ای وجود دارد که اطرافیان او به آن سخن می‌گویند و بدون این زبان آماده یاد گرفتن زبان ممکن نیست زیرا استعداد ذاتی زبان آموزی بتهائی برای یادگیری زبان کفایت نمی‌کند. از طرفی زبانی که در محیط ما وجود دارد یکی از نهادها و بنیادهای اجتماعیت، و مانند هر بنیاد اجتماعی دیگری طبق نظر امیل دورکیم بفرده تحمیل می‌شود.

البته بدون استعداد فراگرفتن؛ زبان آموزی ممکن نیست زیرا حیوانات اهلی مانند سگ و گربه و کبوتر و گوسفند که در میان ما انسانها بسر می‌برند، چون استعداد یادگیری زبان ندارند هرگز زبان نمی‌آموزند و ما هر چه با سگ یا گربه یا قناری سخن بگوئیم جوابی نخواهیم شنید زیرا آنها قابلیت این کار را

استعداد شگرف زبان آموزی تا سنین معینست و تا سن دوازده سالگیست. باین سبب بهترین موقع آموختن زبان مادری و بیگانه و همچنین بهترین هنگام یادگرفتن زبان نوشتار در همین دورانست، یعنی از یک تا دوازده سالگی. از دوازده سالگی بعد استعداد زودآموزی زبان از میان می‌رود و فراگرفتن زبان که معمولاً زبان بیگانه خواهد بود بکندی و طبق اصول دیگری صورت می‌گیرد؛ یعنی طبق اصول و ضوابطی که متخصصان زبانشناسی عملی و روانشناسی و تعلیم و تربیت برای یادگیری زبان بیگانه ذکر کرده‌اند. البته هر چه از دوازده سالگی دورتر رویم و هر اندازه سن آدمی بیشتر شود، یاد گرفتن زبان دیگر برای او دشوارتر می‌گردد، بنابراین بهتر است آموزش زبان مادری و بیگانه را هر چه زودتر آغاز کنیم.

یادگیری زبان نگارش - گفتیم کودک قسمت عمده ساختمان دستوری زبان گفتار و تعدادی از لغات زبان اطرافیان خود را تا چهار سالگی بسرعت و تحت تأثیر استعداد نهانی خود می‌آموزد و به بخش بزرگی از زبان گفتار تسلط می‌یابد. با رفتن به مدرسه، به آموختن گونه نگارشی زبان مادری می‌پردازد و اگر در دوره دبستان معلم و محیط تربیتی خوبی داشته باشد بزبان نگارش و قسمت عمده ساختمان دستوری آن نیز تسلط می‌شود. همانطور که عامل تسلط بر زبان گفتار گفتن و شنیدست، عامل عمده تسلط بر زبان نگارش و ساختمان دستوری آن نیز خواندن نمونه‌های پذیرفته و فصیح و شیوای زبان و نوشتن طبق آن نمونه‌هاست که ما آنرا زبان رسمی یا زبان پذیرفته یا زبان مشترک یا زبان معیار یا زبان فرهنگی یا زبان ممتاز می‌گوئیم که مهمترین و ارزنده‌ترین گونه‌های زبانست، زیرا برخلاف